

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه پروتکل انتقال محکومین به حبس الحاقی به موافقتنامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان»

مقدمه

به واسطه آنکه دولت‌ها تمایل دارند در راستای اعمال حاکمیت خود و حمایت از رابطه حقوقی سیاسی خود با اتباعشان گام بردارند به انعقاد برخی از معاهدات - غالباً دو جانبه - می‌پردازند که یکی از انواع سنتی آنها، معاهدات معاضدت‌های قضایی هستند که در ذیل برخی از آنها مسئله انتقال محکومین مورد اشاره قرار می‌گیرد. موضوع این گزارش یکی از همین اسناد است که دولت جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان در راستای حمایت از اتباعشان منعقد نموده‌اند.

مشخصات لایحه

دوره نهم - سال چهارم

انعقاد چنین معاهداتی در بین کشورهای همسایه معمول و متعارف است، زیرا اتباع این کشورها به خاک یکدیگر تردد زیادی دارند و این مسئله احتمال ارتکاب عمل مجرمانه را که منجر به صدور حکم حبس شود را قوت می‌بخشد.

شماره ثبت:

۶۰۷

در اینجا مفید به نظر می‌رسد که انواع موافقتنامه‌های همکاری حقوقی و قضایی را به طور مختصر معرفی کرده و بررسی نماییم. هرچند لزومی ندارد که یک معاهده صرفاً در قالب یکی از شقوق زیر انعقاد یابد، اما به‌طور کلی چنین تفکیکی در معاهدات دیده می‌شود. این شقوق عبارتند از:

شماره چاپ:

۱۵۷۲

۱. معاهدات راجع به استرداد مجرمین و متهمین: در این گونه از معاهدات، شخصی به واسطه عمل مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده است و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. در واقع در این نوع معاهدات شخص مورد نظر در کشور محل ارتکاب عمل تحت تعقیب قرار گرفته است و یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است، اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل مجرمانه یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را به عمل می‌آورد. در این نوع از معاهدات کشور تقاضاشونده لزوم ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگر را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای مورد نظر اطمینان حاصل کند.

تاریخ چاپ:

معاونت پژوهش‌های
سیاسی - حقوقی
دفاتر: مطالعات حقوقی
مطالعات سیاسی

در واقع «استرداد فرآیند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به واسطه جرم و یا جرائمی که مرتکب شده است در کشور تقاضاکننده مورد دادرسی و یا مجازات قرار گیرد.»^۱ موافقتنامه‌های دوجانبه استرداد متهمین و محکومین از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و برخی از کشورها مانند ایالات متحده با بیش از ۱۱۰ معاهده و کانادا با بیش از ۵۱ موافقتنامه از جمله کشورهای پیشرو در انعقاد چنین معاهداتی می‌باشند که تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.^۲

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۴۵۰۰

تاریخ انتشار:

۱۳۹۴/۸/۱۰

1. UNODC Manual on Mutual Legal Assistance and Extradition, Vienna September 2012, p.41.

۲. برای مثال موافقتنامه استرداد مابین کانادا و اروگوئه به سال ۱۸۸۵ باز می‌گردد.

۲. معاهدات راجع به انتقال محکومین: در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود. این شخص تبعه کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به واسطه داشتن علقه سیاسی - حقوقی با آن شخص متقاضی تحویل وی به خود می‌باشد تا آن شخص مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری نماید. بر این اساس، معمولاً در اینگونه از موافقتنامه‌ها خود محکوم می‌تواند در صورت وجود شرایط مقتضی، رضایتش را برای انتقال به سرزمین دولت متبوع خود برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند. البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم نیز، پذیرش انتقال وی منوط به اعلام رضایت و درخواست انتقال کشور اجراکننده حکم و صادرکننده حکم است. در واقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد، ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نیستند و اعلام رضایت آنها به عنوان عنصر ضروری فرآیند تحقق انتقال می‌باشد.

بر اساس آنچه که بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین معاهدات نوع اول و دوم به چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست در حالی که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده است در حالی که در معاهدات نوع دوم نظم عمومی کشور تقاضاشونده نقض گردیده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است در حالی که در معاهدات نوع دوم بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

۳. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور کیفری: این نوع موافقتنامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم و مجرمین و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضایی منعقد می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشوا و ارتشا مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی اشاره کرد که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضایی دوجانبه وارد عمل شوند. در واقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به نوعی که در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.^۳

۴. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور مدنی: این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش‌نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضایی، جلب نظر کارشناس و... منعقد می‌شوند. چنانچه از عنوان لایحه مورد بررسی در گزارش حاضر بر می‌آید، موضوع این موافقتنامه «انتقال محکومین به حبس» است و نه «استرداد مجرمین و محکومین» و یا «معاضدت قضایی» لذا آنچه در ذیل معاهدات نوع دوم عنوان شد در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد.

آثار تصویب معاهده

تصویب پروتکل انتقال محکومین بین دولت ایران و ترکمنستان منجر به آن خواهد شد که اتباع این دو کشور بتوانند در صورت ابراز تمایل خود و رضایت دو دولت، ادامه محکومیت حبس خود را در کشور متبوعشان سپری کنند. این مسئله از دو جهت قابل بررسی است. از یک سو انتقال این محکومین موجب افزایش تعداد زندانیان در ایران شده و از این رو به افزایش هزینه‌های سازمان زندان‌ها و طرح مسائلی از قبیل سرانه مناسب مکان برای زندانیان منجر خواهد شد. از سوی دیگر، فراهم شدن طی دوران محکومیت در کشور متبوع موجب کاهش تنش‌های ناشی از اختلافات ملیت و نژادی در زندان‌ها خواهد شد. همچنین موجبات تعامل بیشتر زندانیان با خانواده‌هایشان می‌گردد.

3. Typology on Mutual Legal Assistance in Foreign Bribery Cases, PP. 3-13, available at: <http://www.oecd.org/daf/anti-bribery/TypologyMLA2012.pdf>

افزایش انعقاد معاهدات دوجانبه در خصوص انتقال محکومین بین ایران و دولت‌های دیگر موجب تأمین منافع اتباع ایرانی می‌باشد. لذا تقویت این مسئله در کنار تلاش برای رفع معضلات اجتماعی و خانوادگی ناشی از زندانی بودن اتباع ایرانی در خارج کشور می‌تواند عمده‌ترین اثر تصویب این معاهده تلقی شود.

ارزیابی لایحه و پیشنهادات

۱. در کل می‌توان گفت لایحه مذکور موجبات تضمین احترام به حاکمیت ملی را فراهم می‌سازد. زیرا نقش اراده دولت‌های طرف معاهده در تصمیم‌نهایی برای انتقال محکوم کاملاً مؤثر دانسته شده است (بند «۴» ماده (۳)).
۲. اشخاصی که فاقد تابعیت می‌باشند به شرط اینکه محل اقامت دائمی آنها در یکی از کشورهای طرف معاهده باشد می‌توانند درخواست خود را برای انتقال ارائه دهند تا در صورت مهیا بودن شرایط دیگر ادامه مدت حبس خود را در کشور محل اقامت دائمی خود سپری نمایند. (مقدمه و ماده (۶)) این مسئله می‌تواند منجر به آن شود که برخی از فرزندان ازدواج‌های مختلط که در ایران به دنیا آمده‌اند، اما مطابق مقررات ما ایرانی محسوب نمی‌شوند و سند دیگری مؤید بر تابعیتشان ندارند نیز بتوانند درخواست انتقال بدهند. هرچند نظر نهایی با دولت‌های متعاقد است.
۳. بین بند «الف» ماده (۴) که در رابطه با شروط لازم برای انتقال محکوم می‌باشد با بند «۳» ماده (۱۱) تعارضی دیده می‌شود. مطابق با بند «الف» ماده (۴) در شرایطی که حکم دادگاه قطعی نشده باشد امکان انتقال فراهم نمی‌باشد در حالی که بند «۳» ماده (۱۱) عنوان می‌کند که دولت صادرکننده حکم می‌تواند حکم محکوم منتقل شده را مورد تجدید نظر قرار دهد. مگر اینکه منظور ماده (۱۱) از کاربرد واژه «تجدید نظر خواهی»، «اعاده دادرسی» بوده است. زیرا اگر حکمی قابل تجدید نظر خواهی باشد و این امکان در خصوص حکم همچنان باقی باشد، آن حکم قطعی نشده است لذا مطابق با بند «الف» ماده (۴) امکان انتقال محکوم فراهم نمی‌باشد. لذا عبارت «تجدید نظر» مندرج در بند «۳» ماده (۱۱) باید به عبارت «اعاده دادرسی» تبدیل گردد.
۴. در بند «۳» ماده (۳) و بند «۲» ماده (۱۲) از واژه «بی‌درنگ» استفاده شده است که از منظر حقوقی معنای دقیق و مصرحی ندارد بهتر است که در این موارد زمان مشخصی قید شود. هرچند این نکته گفتنی است که ماهیت اینگونه معاهدات بر مبنای تساهل و تسامح می‌باشد و همکاری در آنها موضوع اصلی تلقی می‌گردد لذا دیرکرد در اطلاع‌رسانی از موارد نقض عهد و سببی برای ایجاد مسئولیت تلقی نمی‌شود.
۵. برخی از موارد مندرج در این موافقتنامه از منظر ادبی و دستور زبان، زائد به نظر می‌رسد در این راستا به منظور اصلاح عبارتی پیشنهاد می‌شود:

الف) واژه «پیش‌تر»، از شق ب بند «۲» ماده (۶) حذف گردد.
ب) واژه «متعلق به» از بند «۲» ماده (۸) حذف گردد.

نتیجه‌گیری

در نهایت نظر به آثار مثبت این موافقتنامه، تصویب آن پیشنهاد می‌گردد.

